



رشد پایانه‌های فروشگاهی

پایانه‌های فروشگاهی از حیث محاسبه درآمد و مالیات اقشار مختلف جامعه از جمله کاسبان اهمیت بسیاری دارد و در همین راستا بر استفاده تمامی اقشار از این پایانه‌ها تاکید می‌شود. در ماه‌های اخیر موضوع استفاده پزشکان و سردفتران برای استفاده از پایانه‌های کارتخوان به بحثی داغ برای رسانه‌ها تبدیل شد؛ چراکه محاسبه مالیات بر درآمد این اقشار بدون استفاده از این پایانه‌ها کار ساده‌ای نیست. حال آمار بانک مرکزی حاکی از آن است که تعداد پایانه‌های فروش دارای تراکنش از ابتدای سال جاری تا پایان آذرماه، از ۶ میلیون و ۶۵ هزار پایانه به ۶ میلیون و ۵۴۶ هزار پایانه رسیده است که ۷ درصد رشد نشان می‌دهد. بر این اساس، استان تهران با یک میلیون و ۲۷۴ هزار پایانه فروش بیشترین سهم را در میان استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. پس از استان تهران، استان‌های خراسان رضوی با ۵۰۰ هزار پایانه و اصفهان با ۴۶۵ هزار پایانه بیشترین تعداد پایانه‌های فروش را در اختیار دارند. کمترین تعداد این پایانه‌ها نیز مربوط به استان‌های ایلام با ۴۸ هزار پایانه و کهگیلویه و بویراحمد با ۵۲ هزار پایانه است. □



رویتزر

چرا خاورمیانه دیگر جای بانک‌ها نیست؟

ورود چین، خروج آمریکا

امیر قاسمی | دونالد ترامپ در زمان انتخابات خود گفته بود که درصد خروج از خاورمیانه است. حالا آمریکایی‌ها می‌گویند که خاورمیانه دیگر برای آنها از نظر اقتصادی جاذبه ندارد و البته بهتر است که اعتراف کنند چین با هوشمندی عجیب و غریبی آرام در خاورمیانه خریدار است و به زودی جایگاه آمریکا را از آن خود می‌کند. چینی‌ها برخلاف آمریکا به کشورهای خاورمیانه همانندند که نقش آنها در منطقه نقش یک استعمارگر نیست و آنها در واقع یک شریک تجاری هستند که به دنبال آرامش منطقه‌اند. این سیاست هوشمندانه چین، حالا آنها را به دومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل کرده است و آمریکا را به شدت به رقابت با چشم‌بادامی‌ها انداخته است؛ رقابتی که جهان از آن با عنوان جنگ تجاری آمریکا و چین نام می‌برد.

چین چگونه ابرقدرت شد؟

زمزمه خروج آمریکایی‌ها از خاورمیانه این روزها بیشتر از همیشه شنیده می‌شود؛ این اتفاق را می‌توان مشابه خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خاورمیانه در دهه ۱۹۷۰ میلادی دانست. در انتهای دهه ۶۰ میلادی، زمانی که زمزمه خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خاورمیانه مطرح بود، همزمان نشانه‌هایی از ظهور قدرت بزرگ دیگری به عنوان جایگزین انگلستان در منطقه مشاهده می‌شد؛ اما باید ببینیم این بار بعد از خروج آمریکا از منطقه کدام قدرتی جهانی جایگزین آمریکا در منطقه خاورمیانه خواهد شد. با بررسی آمارهای اقتصادی مشاهده می‌شود، چین به عنوان قدرتی اقتصادی به زودی جایگزین آمریکا خواهد شد. کشور چین در دهه ۱۹۸۰ میلادی از نظر حجم تولید ناخالص داخلی کشور، متوسط و از نظر تولید سرانه داخلی کشور، ضعیف بود؛ اما در انتهای دهه ۱۹۸۰ میلادی با تغییر رویکرد اقتصادی و اعمال سیاست درهای باز، حرکت خود را به سمت تبدیل شدن به قدرتی اقتصادی آغاز کرد.

بنابراین گزارش بانک جهانی، در حالی که در سال ۱۹۸۱ حجم تولید ناخالص داخلی چین به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰ تنها ۳۵۸ میلیارد دلار در سال بود، اقتصاد این کشور با تجربه کردن رشد بالا و پایدار در چهار دهه گذشته، حجم تولید ناخالص داخلی خود را به رقم ۱۰٫۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۸ میلادی رساند. این آمار نشان می‌دهد که نقطه نقل اقتصادی دنیا از غرب به سمت شرق حرکت کرده است.

درواقع چین موفق شد در کمتر از ۴۰ سال صد برابر حجم اقتصاد خود را بزرگتر کند اما به نظر می‌رسد چین به این تحول اقتصادی راضی نشده است و تلاش دارد مسیر رو به رشد خود را در سال‌های آتی حفظ کند. برای این منظور چین تلاش دارد سه هدف بزرگ اقتصادی را دنبال کند. این سه هدف شامل پیدا کردن بازارهای هدف، تأمین انرژی ارزان برای تولید بیشتر و فراهم کردن کربن‌دایواید امن برای صادرات محصولات چینی می‌شود. بنابه دلایلی که ذکر شد چین در دو دهه گذشته به شدت تلاش داشته است تا روابط اقتصادی خود را با همه کشورهای خاورمیانه تقویت کند؛ اما به نظر می‌رسد جنس حضور چین در خاورمیانه با نوع فعالیت آمریکا در دهه‌های گذشته در این منطقه بسیار متفاوت خواهد بود.

سیاست شریک تجاری نه استعمارگر

پس از انتخاب شی جینگ پینگ به ریاست جمهوری چین در سال ۲۰۱۲، این رهبر حزب کمونیست تلاش کرد تا با ایجاد منافع مشترک با همه کشورهای خاورمیانه، منافع اقتصادی آبی این کشور را در آینده تأمین کند. اولین اقدام چین در این مسیر اعلام پروژه راه ابریشم جدید در سال ۲۰۱۳ میلادی بود. در این پروژه چین تلاش کرد تا مسیری امن را برای صادرات کالا از طریق کشورهای آسیای میانه، کشورهای خاورمیانه و کشورهای حاشیه دریای مدیترانه به سمت اروپا فراهم کند.

البته این تنها مسیری نیست که چین برای صادرات کالا و آ‌ن حساب کرده است؛ دو مسیر دیگر شامل مسیر زمینی پاکستان و استفاده از بنادر این کشور برای صادرات از طریق دریا و انتقال کالا از طریق بنادر هند به سمت دریای سرخ و کانال سوئز می‌شود. برای این منظور چین نیاز به مسیری امن برای صادرات کالا دارد و این دقیقاً نقطه تقابل استراتژی چینی‌ها با سیاست آمریکایی‌ها در منطقه است.

ما جنگ افروز نیستیم

چینی‌ها برخلاف قیاب اقتصادی خود علاقه دارند تا خاورمیانه همیشه در آرامش و به دور از تنش باشد. با اینکه فضای سیاسی خاورمیانه پس از جنگ اعراب با رژیم صهیونیستی تاکنون چنین فضای پرتنش را تجربه نکرده است، چین با سیاست عاقلانه موفق شده است با تمام کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا روابط دوستانه داشته باشد و تمام تلاش خود را بر تنش زدایی بین کشورهای خاورمیانه معطوف کرده است. چین با کشورهای الجزایر، مصر، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی پیمان جامع استراتژیک را به تصویب رسانده و همکاری‌های مثبت تجاری و سیاسی با دیگر کشورهای منطقه را از جمله جیبوتی، عراق، اردن، کویت، مراکش، عمان، قطر و ترکیه پیگیری کرده است. این مسأله نشان می‌دهد که چین برخلاف آمریکا برای تأمین منافع خود در منطقه نیاز دارد تا با نزدیک کردن کشورهای منطقه به یکدیگر، صلح و ثبات را در منطقه به ارمغان آورد که این مطلب می‌تواند علاوه بر چین منافع اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را تأمین کند.

نفت می‌خریم کالا می‌فروشیم

منطقه خاورمیانه علاوه بر اینکه بازاری مناسب برای کالاهای چینی است، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز به عنوان مهم‌ترین نهاده برای تولید کالاهای چینی قلمداد می‌شود. بنابراین چین تلاش کرده است با طراحی معاهده‌هایی که بردار برای دوطرف به ارمغان می‌آورد، با کشورهای

خاورمیانه و شمال آفریقا منافع مشترک پیدا کند. به گزارش اندیشکده آتلانتیک، در دوره ریاست جمهوری شی جینگ پینگ حجم تجارت چین با کشورهای خاورمیانه افزایش چند برابری داشته است. در بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۴ میلادی چین بیش از ۳۰ میلیارد دلار با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرارداد امضا کرده است که این رقم معادل ۸ درصد از حجم قراردادهای تجاری چین در این مدت است. علاوه بر این، چین در سال‌های گذشته حجم تجارت خود را با کشورهای غیر عرب‌زبان منطقه افزایش داده است. مبادلات تجاری چین با ترکیه از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ میلادی به بیش از ۲۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است و میزان مبادلات تجاری این کشور با ایران از ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ میلادی به رقم ۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ میلادی رسیده است. از سوی دیگر بر طبق گزارش فارین افرز چین با عقد قراردادهای جامع با کشورهای خاورمیانه، تأمین انرژی خود را در بلندمدت تضمین کرده است. ایران، قطر و عربستان سعودی بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت و گاز به کشور چین هستند. به گزارش این نشریه، پس از سال ۲۰۱۲ به طور متوسط قطر ۲۸ درصد از نیاز سالانه گاز طبیعی چین را تأمین و ایران ۱۱ درصد از نیاز نفت چین را به این کشور صادر کرده است.

وام‌های بشر دوستانه برای خاورمیانه

همچنین چین با پرداخت وام و کمک‌های بشردوستانه به کشورهای خاورمیانه، افکار عمومی این کشورها را با خود همراه کرده است. در پنج سال گذشته چین بیش از ۳ میلیارد دلار به کشورهای منطقه به عنوان وام پرداخت کرده است؛ از این میزان ۲۰ میلیارد دلار به بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی این کشورها و سه میلیارد دلار به بازسازی نهادهای مالی کشورهای خاورمیانه اختصاص داده شده است. علاوه بر این حجم از وام که به نهادهای اقتصادی کشورهای خاورمیانه اختصاص پیدا کرده است، چین ۱۵۰ میلیون وام برای بهبود ساختارهای نهادهای اجتماعی منطقه به ۹۰ میلیون دلار کمک بشردوستانه به کشورهای یمن، سوریه، اردن و لبنان پرداخت کرده است.

تهاجر گردشگر با کشورهای آسیای غربی

قراردادهای اقتصادی تنها مسیری نیست که چین برای حضور در منطقه انتخاب کرده است، این کشور تلاش کرده است با تصویب قراردادهای دووچند جانبه در حوزه فرهنگی و گردشگری پازل حضور خود را در منطقه کامل کند. چین پس از مدت‌ها انزوا در حوزه گردشگری تلاش کرده است تا سیاست درهای باز را در این حوزه هم پیگیری کند. در سال ۲۰۱۸ دولت چین طی قراردادی با بن سلمان، شاهزاده سعودی، معلمان چینی را برای آموزش زبان چینی در مدارس عربستان به این کشور اعزام کرد؛ از این جهت که برخلاف فرهنگ غربی، فرهنگ کشورهای شرق آسیا برای مردمی که در کشورهای خاورمیانه مشغول فعالیت‌های اقتصادی هستند تا حدودی ناشناخته است، چین برای افزایش مبادلات تجاری با کشورهای منطقه تلاش دارد تا فضای فرهنگی لازم را برای تبادل تجاری در دهه آینده آماده کند. در نهایت می‌توان گفت منطقه خاورمیانه برای کشورهای تولیدکننده نفت ارزش اقتصادی قبلی را ندارد و این قدرت‌های نوظهور اقتصادی مانند چین هستند که به زودی جایگزین کشورهایی که در گذشته در منطقه حضور داشتند، خواهد شد. از این جهت که دکتورین اقتصادی چین برخلاف آمریکا، بر ثبات سیاسی و اقتصادی در منطقه تأکید دارد، می‌توان حضور چین در خاورمیانه را مغتنم دانست. برای این منظور کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا باید نهادهای اقتصادی خود را برای حضور چین آماده کنند تا بتوانند از منافع اقتصادی حضور این قدرت جدید بهره‌مند شوند. □

فصل ارتباط داغ



اینترنیٹ ہمیشگی

۳ ماه اشتراک رایگان تماشاخونه